



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ خرداد ۱۳۹۰

مصادف با: ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۳۲

جلسه: ۱۰۵

موضوع کلی: جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی

موضوع جزئی: وجه هشتم (راه حل مرحوم سید فشارکی)

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث ما در مورد وجه هشتم از وجوه جمع بین حکم واقعی و ظاهری بود ما این وجه را که مرحوم سید فشارکی بیان کرده‌اند به همراه دو اشکال که از طرف محقق نائینی و محقق اصفهانی وارد شده بود بیان کردیم، البته اشکال اول را نپذیرفتیم و اشکال دوم که مربوط به محقق اصفهانی بود به نظر ما وارد است.

اشکال سوم (اشکال امام (ره) به مرحوم فشارکی):

امام (ره) در باب اخذ قصد قربت در مأمور به مبنایی دارند که بر اساس آن مبنا به مرحوم فشارکی اشکال کرده‌اند، بحثی است در مورد امر که آیا می‌توان قصد قربت و قصد امتثال امر را در متعلق امر اخذ کرد یا نه؟ مثلاً آیا شارع می‌تواند بگوید نماز بخوانید به قصد قربت، عرض کردیم که قصد قربت هم به معنای قصد امتثال امر است؛ یعنی شارع بگوید ایها الناس نماز بخوانید به داعی امتثال امر من به صلوة، معروف و مشهور این است که اخذ قصد قربت در مأمور به امکان ندارد، مرحوم آخوند فرمودند اینکه شارع بگوید این مأمور به را به قصد امتثال امر من اتیان کنید محال است برای اینکه معنای اخذ قصد قربت در مأمور به این است که در رتبه مقدم بر امر باشد در حالی که چیزی که در رتبه متأخر از امر است چطور می‌تواند در رتبه مقدم بر امر و در ردیف سایر اجزاء و شرائط قرار بگیرد، وقتی امر به صلوة و رکوع و سجود می‌شود، هیچ مانعی ندارد که رکوع و سجود در رتبه مقدم بر امر وجود داشته باشند؛ یعنی شارع می‌تواند امر به رکوع و سجود بکند چون رکوع و سجود زائیده امر نیستند بلکه اینها در رتبه مقدم بر امر وجود دارند اما در مورد قصد قربت اینطور نیست چون قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در رتبه متأخر از امر است؛ یعنی باید امری باشد تا قصد امتثال آن امر بشود، پس قصد امتثال امر بعد از امر پیدا می‌شود و در رتبه متأخر از امر است حال اگر شما بخواهید قصد امتثال امر را در متعلق امر اخذ بکنید و به عنوان یک جزء در ردیف رکوع و سجود و امثال اینها قرار بدهید؛ معنایش این است که چیزی را که ذاتاً متأخر از امر است در رتبه مقدم بر امر قرار بدهید و این محال است.

امام (ره) به تبع بعضی از اساتیدشان کلام مرحوم آخوند را رد کرده‌اند و فرموده‌اند اخذ قصد قربت و قصد امتثال امر در متعلق امر هیچ اشکالی ندارد و هیچ محالی لازم نمی‌آید برای اینکه اینجا خلط شده بین آن چیزی که می‌خواهد در رتبه مقدم بر امر قرار بگیرد و آن چیزی که متأخر از امر است، آنچه که در رتبه متأخر از امر است یک داعویت خارجی است؛ یعنی امر به وجوده خارجی اگر بخواهد داعویت داشته باشد بدون تحقق امر ممکن نیست تا زمانی که امر نشود که فلان کار را انجام

بدهید انگیزه برای انجام آن کار ایجاد نمی‌شود، امر بعد از تحقق امر، داعویت دارد و ایجاد انگیزه می‌کند پس داعویت بعد از تحقق امر است و در رتبه متأخر از امر است اما شارع وقتی می‌خواهد چیزی مثل قصد امتثال امر در متعلق امر اخذ نکند لازم نیست، در متعلق امر حتماً امر وجود داشته باشد چون در مقام امر شارع فقط تصور شیء را لازم دارد و تصور یک شیء، فرع وجود آن شیء نیست؛ یعنی شارع در مقام امر تصور می‌کند مأمور به را بعد به مکلف می‌گوید این مأمور به من را به قصد امتثال امر من انجام بده، این وابستگی مربوط به داعویت خارجی است و آنچه که بعد از امر پیدا می‌شود داعویت خارجی است اما قصد امر می‌تواند در کنار سایر اجزاء و شرائط در مأمور به اخذ شود.

اینجا هم امام(ره) همین مطلب را به مرحوم فشارکی می‌گویند، کلام مرحوم فشارکی این بود که می‌گفت موضوع حکم واقعی ذات الفعل است مع قطع النظر عن تعلق الحكم بها و موضوع حکم ظاهری ذات الفعل است مع قید انه مشکوک الحكم و مجهول الحكم، اصل مسئله این بود که حکم ظاهری وقتی متوجه موضوع می‌شود که حکمی وجود داشته باشد و بعد در آن حکم شک بشود؛ یعنی در واقع معلوم الحكم بودن و مشکوک الحكم بودن را متأخر از خود حکم بدانیم، اگر کسی بگوید این اوصاف بعد از حکم پیدا می‌شود این مشکل وجود دارد. مثلاً عرض کردیم بخشی از اوصاف نماز جمعه این است که مثلاً در فلان محل اقامه شود و توسط فلان شخص اقامه شود، ذات نماز جمعه اوصاف مختلفی از این جهت دارد که ربطی به حکم ندارد، حکم باشد یا نباشد این حالات مختلف برای ذات موضوع تصور می‌شود اما اگر وصف معلوم الحكم و مشکوک الحكم را برای نماز جمعه در نظر بگیریم و بگوییم این اوصاف بعد از تعلق حکم پیدا می‌شود؛ یعنی یک حکمی باید برای نماز جمعه باشد که ما علم به آن حکم نداشته باشیم تا بتواند وصف مشکوک الحكم پیدا شود حق با سید فشارکی است؛ یعنی سید فشارکی خواسته‌اند بگویند بعضی از اوصاف بعد از تعلق حکم پیدا می‌شود و مشکوک الحكم و معلوم الحكم هم از این قبیل اوصاف هستند لذا گمان کرده‌اند که نمی‌شود نماز جمعه، قبل از تعلق حکم واقعی متصف به این اوصاف شود، عمده اشکال به سید فشارکی این است که چه اشکالی دارد که در مقام جعل حکم واقعی شارع وقتی می‌خواهد نماز جمعه را محکوم به حکم وجوب بکند در مقام تصور، مطلق تصور بکند و بگوید نماز جمعه واجب است چه این نماز جمعه مشکوک الحكم باشد چه معلوم الحكم باشد، چه اشکالی دارد که شارع در مقام تصور، ذات فعل را با همین وصف مشکوک الحكم تصور بکند و حکم واقعی را برای او جعل بکند اینطور نیست که وصف مشکوک الحكم بودن و معلوم الحكم بودن حتماً بعد از ثبوت یک حکم واقعی باشد و متأخر از جعل حکم واقعی باشد.

نتیجه این می‌شود که این مشکوک بودن حکم، هم در موضوع حکم واقعی وجود دارد و هم در موضوع حکم ظاهری، پس این تعدد موضوع را که سید فشارکی گفتند وجود ندارد چون ایشان می‌گفتند در حکم ظاهری؛ مثلاً جایکه خبری قائم شده بر اینکه نماز جمعه حرام است موضوع عبارت است از نماز جمعه‌ای که حکم واقعی آن برای ما مشکوک است پس در موضوع حکم ظاهری قید مشکوک الحكم بودن وجود دارد، ولی این قید در موضوع حکم واقعی وجود ندارد بنابراین موضوع حکم واقعی با موضوع حکم ظاهری فرق می‌کند امام(ره) می‌فرمایند این قید در موضوع حکم واقعی هم وجود دارد چون

موضوع حکم واقعی، ذات الفعل است اعم از اینکه معلوم الحکم باشد یا مشکوک الحکم باشد، هیچ اشکالی هم ندارد که در مقام جعل حکم، صلوة الجمعة حتی با وصف مشکوک الحکم بودن، توسط شارع واجب شود و اینطور نیست که بگویید مشکوک الحکم بودن در رتبه متأخر از حکم است و نمی‌تواند در موضوع حکم واقعی اخذ بشود، هیچ مانعی ندارد که مشکوک الحکم بودن هم در موضوع حکم واقعی لحاظ شود؛ چون این مقام، مقام تصور است و آنچه که تأخر دارد و شما می‌گویید مشکوک الحکم متأخر از خود حکم است، مربوط به مقام واقعیت است. چه اشکالی دارد که در مقام تصور، شارع موضوع حکم واقعی را اینگونه تصور بکند و بگوید نماز جمعه اعم از اینکه مشکوک الحکم باشد یا معلوم الحکم واجب است. پس باز اجتماع حکم واقعی و ظاهری در یک فرض پیش آمد و آن نماز جمعه‌ای است که مشکوک الحکم باشد که حکم واقعی نماز جمعه مشکوک الحکم وجوب است و حکم ظاهری نماز جمعه مشکوک الحکم حرمت است، لذا مشکله اجتماع حکم واقعی و ظاهری و محذور تنافی بین حکم واقعی و ظاهری برطرف نشد این اشکالی است که از طرف امام(ره) بر مرحوم فشارکی وارد شده است.^۱

البته مرحوم حائری (شاگرد مرحوم سید فشارکی) از کسانی است که اعتراف کرده به اینکه اخذ قصد قربت در متعلق امر اشکالی ندارد ولی ما تصور نمی‌کنیم که نظر سید فشارکی هم همین باشد و ظاهراً مبنای سید فشارکی همان مبنای مرحوم آخوند است که اگر این کلام صحیح باشد اشکال امام(ره) به سید فشارکی مبنایی است و سید فشارکی می‌تواند در پاسخ امام(ره) بگوید مبنای من این است که قصد قربت نمی‌تواند در متعلق امر اخذ شود پس در این صورت اشکال امام(ره) به سید فشارکی مبنایی است.

اشکال چهارم:

اشکال دیگری که وجود دارد این است که سید فشارکی فرموده موضوع حکم واقعی عبارت است از ذات الفعل مع قطع النظر عن تعلق الحکم بها و موضوع حکم ظاهری عبارت است از ذات الفعل مع قید انه مشکوک الحکم؛ یعنی اگر خبر واحدی می‌گوید نماز جمعه حرام است منظور این است که نماز جمعه‌ای که حکم واقعی آن معلوم نیست حرام است، لازمه این حرف این است که عنوان شک در حکم واقعی نماز جمعه متأخر است از خود حکم واقعی نماز جمعه؛ یعنی وقتی می‌گویید مشکوک الحکم؛ یعنی اینکه به حکم واقعی نماز جمعه شک داشته باشید، این شک در حکم واقعی متأخر است از اینکه حکم واقعی باشد یعنی باید یک حکم واقعی ثابت باشد تا در آن شک شود، معنای تأخر شک در حکم واقعی از خود حکم واقعی این است که اگر حکم واقعی وجوب باشد و شک در وجوب پیدا شد در این صورت نماز جمعه حرام است، حالا نفس شک در حکم واقعی نماز جمعه که قید موضوع حکم ظاهری است با این بیان به یقین تبدیل می‌شود چون برای تحقق عنوان شک در وجوب نماز جمعه باید فرض کنیم وجوبی برای نماز جمعه ثابت است؛ یعنی اینکه یقین داریم به اینکه نماز جمعه حکمی دارد

۱. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۲۱۹.

به نام وجوب، پس نتیجه شک در حکم که قید موضوع حکم ظاهری است این است که ما به حکم واقعی یقین داشته باشیم و این انقلاب است؛ یعنی حکم واقعی مشکوک مبدل می‌شود به حکم واقعی یقینی و این انقلاب محال است و باطل.

خلاصه اشکال چهارم این است که لازمه راه حل مرحوم فشارکی تبدل شک به یقین و انقلاب شک به یقین است چون وقتی قید مشکوک الحکم را در موضوع حکم ظاهری اخذ کنید؛ معنایش این است که باید حکمی وجود داشته باشد تا در آن شک شده باشد پس شک در حکم به معنای یقین به وجود حکم است؛ یعنی حکمی باید باشد تا در آن شک شود و این انقلاب و محال است.

در واقع وقتی ما می‌گوییم مشکوک الحکم، اگر چیزی متعلق شک واقع شد، در مقام تصور شک به شیء فرع ثبوت شیء تصوراً است اما به حسب واقع اینطور نیست و این فقط در مقام تصور است که ما وقتی می‌گوییم الشک فی الشیء یا الجهل بالشیء، اول باید آن شیء تصور بشود و بعد در آن شیء شک بشود؛ یعنی متعلق شک باید تصور بشود تا شک و جهل نسبت به آن معنا پیدا بکند اما به حسب وجود خارجی اینطور نیست و شک به شیء فرع ثبوت آن شیء در خارج نیست.

«والحمد لله رب العالمین»